

به نام خدا

تحلیل سیاسی هفته (۳۸)

ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای پیش‌رو با گروه ۵+۱

مقدمه

دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ قرار است در استانبول ترکیه برگزار شود. به دلیل اینکه وزن و اهمیت مذاکرات اتمی در معادلات امنیت ملی ایران دارای کد راهبردی است، بالطبع خروج از بن‌بست مذاکرات مستلزم مذاکرات متعددی خواهد بود و اعلان اولتیماتم زمانی از طرف واشنگتن مبنی بر آخرین فرصت تهران برای حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع هسته‌ای بیشتر در چارچوب عملیات روانی است.

این درحالی است که هنوز دستور کار مذاکرات به صراحت تبیین و تفکیک نشده است و تفاوت رویکرد دو طرف به آن می‌تواند دستیابی به تفاهم را مشکل‌تر کند. طرف آمریکایی خواهان تمرکز صرف بر موضوع غنی‌سازی ایران است، در مقابل ایران با یک نگاه «حداکثری» خواهان هدایت مذاکرات در یک قالب کلی تأمین «امنیت همگانی» است، یعنی جایی که نقطه قوت و امتیاز ایران برای ایجاد برابری سیاسی در روند مذاکرات تلقی می‌شود. بر همین مبنا ایران در تمامی مذاکرات قبلی بر موضوعات منطقه‌ای همچون همکاری برای حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، خلع سلاح عمومی هسته‌ای در خاورمیانه و غیره تأکید داشته است.

ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات با گروه ۵+۱

مهمترین ملاحظات ایران در مذاکرات آتی با گروه ۵+۱ عبارتند از:

الف) برنامه‌ریزی واشنگتن جهت بسترسازی روانی برای تعمیق تحریم‌ها

واشنگتن و متحدانش در مذاکرات آتی درخواست‌هایی را مطرح می‌کنند که پیش‌تر نیز پذیرش آن از طرف ایران رد شده است. استراتژی آنان این است که این پیام را به افکار عمومی و سایر بازیگران دولتی تداعی کنند که تهران مایل به خروج از بن‌بست مذاکرات نیست تا زمینه را برای تصویب و اعمال اقدام‌های تنبیهی در چارچوب بند «۴۱» منشور ملل متحد فراهم کنند. آمریکا و تروئیکای اتحادیه اروپا در شرایطی آمادگی خود برای مذاکره را اعلام می‌کنند که اتحادیه اروپا از ۱ جولای ۲۰۱۲، تحریم نفتی ایران را تصویب کرده و ایالات متحده نیز به دنبال یارگیری برای گسترش چتر دامنه تحریم‌ها علیه ایران است. به عبارتی استراتژی واشنگتن قرار دادن مذاکرات در محیط ارباب و تهدید است که پیش‌تر نیز بیانات رهبر معظم انقلاب و رفتار دیپلمات‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز اثبات کرده که پافشاری غرب بر اجرای این راهبرد نمی‌تواند خللی را در اصول سیاست‌های هسته‌ای کشور وارد کند.

ب) پررنگ شدن ابعاد عملیات روانی تهاجم نظامی به ایران

همزمان با نزدیک شدن به مذاکرات لفاظی‌های اسرائیل و برخی دولتمردان آمریکایی مبنی بر احتمال انجام اقدام نظامی علیه ایران مطرح می‌شود تا بر فضای مذاکرات اثر گذاشته و متولیان امر را به سمت مذاکرات انفعالی کانالیزه کنند. هرچند مقام‌های اسرائیلی چند سالی است که در اظهارات خود همواره قریب‌الوقوع بودن حمله را تداعی می‌کنند. برای مثال شیمون پرن، رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی در ۶ نوامبر ۲۰۱۱ (۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۰) مدعی شد احتمال حمله نظامی علیه ایران بسیار نزدیکتر از گزینه سیاسی است.^۱

ج) تکراری بودن محورهای درخواستی آمریکا و تروئیکای اتحادیه اروپا

آمریکا و متحدانش در صورتی می‌توانند خود را پیروز مذاکرات اعلام کنند که با حداقل امتیازدهی به ایران، به اهداف زیر دست یابند:

- تعطیلی تأسیسات غنی‌سازی سوخت فوردو،^۲

- توقف افزایش غنی‌سازی به ۲۰ درصد،

- تحویل ذخایر سوخت غنی شده ۲۰ درصد به کشور ثالث.

هیچ تضمینی وجود ندارد که سطح مطالبات آمریکا و متحدانش به سه درخواست فوق‌الذکر منحصر شود. ثانیاً تصریح نشده در صورت همکاری‌های پلکانی ایران، حذف تحریم‌ها در چه سطوحی خواهد بود. رفتار آمریکا در چند سال اخیر نشان داده حتی پس از همکاری‌های کامل تهران در بخش هسته‌ای، آمریکا و متحدانش با مانور سیاسی بر مقوله‌هایی همچون تروریسم و حقوق بشر چماق تحریم را همچنان به‌عنوان یک عامل فشار حفظ خواهند کرد.

در این مذاکرات اهداف غرب به صراحت اعلام شده ولی هیچ‌گونه اشاره به مزیت‌های ایران نشده است. واشنگتن درخواست‌های حداکثری را مطرح می‌کند تا بتواند به مزایای حداقلی دست یابد، به‌طوری که دستیابی به هر کدام از اهداف سه‌گانه فوق‌الذکر را به منزله موفقیت خود در مذاکرات ارزیابی می‌کند.

در چند ماه گذشته واشنگتن و متحدانش سطح تحریم‌ها را به‌صورت قابل توجهی افزایش داده‌اند که بخشی از آنها صوری بوده و تأثیری در معادلات سیاسی - اقتصادی نداشته است که از مصادیق آن می‌توان به تحریم مسافرتی برخی کارگزاران نظام به ایالات متحده اشاره کرد. یکی از دلایل واشنگتن حذف برخی تحریم‌های فرمایشی در قبال انصراف ایران از غنی‌سازی است.

آنچه مسلم است تصاعد غنی‌سازی تا غلظت ۲۰ درصد و ساخت تأسیسات فوردو در چارچوب مفاد معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی و توافقنامه‌های پادمان بوده است. درخواست واشنگتن و متحدانش برای تحویل ذخایر سوخت درحالی است که ایران پیش‌تر در بیانیه سه‌جانبه با برزیل و ترکیه به توافقاتی دست یافته بود، ولی با گذشت فاصله کوتاهی پس از آن در ۹ ژوئن ۲۰۱۰، قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید.

1. <http://www.reuters.com/article/2011/11/04/us-israel-iran-peres-idUSTRE7A37GR20111104>

۲. جمهوری اسلامی ایران در ژانویه ۲۰۱۲ غنی‌سازی ۲۰ درصدی در تأسیسات فوردو را آغاز کرد. متعاقب آن «جیل تودور»، سخنگوی آژانس در بیانیه‌ای اعلام کرد: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، می‌تواند تأیید کند که ایران تولید اورانیم با غلظت ۲۰ درصد را در تأسیسات غنی‌سازی فوردو شروع کرده؛ اما همه مواد هسته‌ای در این تأسیسات، تحت مهار و نظارت آژانس است.

د) افزایش تأثیر تحولات منطقه‌ای بر فضای مذاکرات

از موارد قابل تأمل مذاکرات آتی، برنامه‌ریزی دو طرف مذاکره برای مزیت‌سازی از تحولات سوریه است. برای مثال یکی از اهداف متعدد آمریکا و متحدانش این است که با انصراف از برخی خواست‌ها در سوریه، امتیازاتی را در بخش هسته‌ای ایران دریافت کنند. از طرفی معادلات امنیتی منطقه به‌ویژه پس از گسترش امواج بیداری اسلامی در لایه اجتماعی خاورمیانه و حمایت‌های قاطعانه تهران از بشار اسد بر وزن امنیتی ایران افزوده است.

ه) افزایش اهمیت موضوع هسته ایران در معادلات سیاسی داخل آمریکا

دولت باراک اوباما که با فشارهای زیادی به‌دلیل بحران اقتصادی مواجه شده است، تلاش می‌کند با برخی تحرکات سیاسی همچون وادارسازی تهران به عقب‌نشینی از سیاست‌های هسته‌ای خود از آن به‌عنوان کارت برنده‌ای در انتخابات استفاده کند. نامه‌نگاری رئیس‌جمهور آمریکا به رهبر فرزانه انقلاب یا تبلیغات فزاینده کاندیداهای ریاست جمهوری حزب جمهوریخواه بر موضوع اتمی ایران، از سیگنال‌هایی هستند که اهمیت مذاکرات هسته‌ای در آینده سیاسی باراک اوباما را منعکس می‌کنند.

و) نقش متناقض ترکیه در معادلات هسته‌ای ایران

پافشاری غرب در میزبانی ترکیه برای انجام مذاکرات تا حدودی قابل تأمل است. در این میان برخی تحرکات ترکیه در چند ماه اخیر همچون استقرار سامانه موشکی آمریکا یا موضع‌گیری‌های ترک‌ها در قبال تحولات سوریه حامل این پیام است که فضای کنونی منطقه با شرایط زمانی صدور بیانیه سه‌جانبه تهران تفاوت دارد و جمهوری اسلامی ایران نباید موضوع هسته‌ای خود را به‌عنوان پلی برای مطرح شدن آنکارا در منطقه قرار دهد. برای مثال توافقاتی مانند در اختیار گذاشتن سوخت با غنای ۲۰ درصد به ترکیه در شرایط کنونی قابل تأمل است.^۱ در همین ارتباط وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، ایهود باراک نیز در مصاحبه با شبکه خبری سی.ان.ان در آستانه مذاکرات اتمی با گروه ۵+۱ بر تمایل این رژیم به تحویل سوخت با غنای ۲۰ درصد ایران به یک کشور همسایه تصریح کرده است.^۲

ز) مبهم بودن مبنای مذاکرات

مبنای از سرگیری مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ مبهم است. آمریکا برای اثبات توقف غنی‌سازی مایل به راستی‌آزمایی و همکاری‌های فرآپادمانی آژانس با ایران است که این خود دارای ملاحظات امنیتی و اطلاعاتی است و انتهای آن نیز نامشخص است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دولتمردان، قانونگذاران و سایر مسئولان ضرورت دارد از اظهارنظرهایی که قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات احتمالی را کاهش می‌دهد پرهیز نمایند. دیپلمات‌های هسته‌ای نیز باید با تجربه‌اندوزی از مذاکرات اکتبر ۲۰۰۹ حتی

۱. در تاریخ ۱۷ مه ۲۰۱۰ (۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹) ایران بیانیه سه‌جانبه‌ای را با ترکیه و برزیل مشتمل بر ده بند به امضا رساند و طبق آن قرار شد در قبال دریافت میله‌های سوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران، بخشی از اورانیم کم غنی شده خود را به خاک ترکیه ارسال کند.

برای مشاهده متن کامل توافقنامه به نشانی اینترنتی زیر رجوع شود:

<http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/?id=189175>

2. <http://www.globalpost.com/dispatch/news/regions/middle-east/israel-and-palestine/120408/israel-defense-minister-says-sanctions>

به صورت ضمنی، تعهداتی که می‌تواند هزینه‌هایی به نظام تحمیل کند را نپذیرند، زیرا می‌تواند مبنایی برای مذاکرات بعدی قرار گیرد. توصیه می‌شود مقام‌های ذیربط با دوراندیشی درخصوص ملاحظات و مبنا قرار دادن خطوط قرمزی که مقام معظم رهبری نیز بارها بر آن تأکید فرموده‌اند به سمت طراحی مدالیده جدید برای حل و فصل موارد مبهم آژانس حرکت کنند که در آن دایره همکاری‌ها فقط در چارچوب تعهدات پادمانی باشد. از طرفی وزن همکاری‌های ایران باید حداقل با وزن استراتژیک امتیازات دریافتی از غرب برابری کند.

تأکید بالای آمریکا برای توقف غنی‌سازی در تأسیسات فوردو و متعاقب افزایش بازرسی‌ها از آن در جهت رفع بخشی از خلأهای اطلاعاتی آمریکا از قابلیت‌های اتمی ایران در فوردو ارزیابی می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران باید در زمینه محور قرار گرفتن مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن در مذاکرات و پذیرش تعهداتی در قبال آن با دقت بیشتری حرکت کند، زیرا می‌تواند نقطه عطفی برای همکاری‌های فراپادمانی قرار گرفته و در میان مدت اصل حفاظت از اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده را با چالش‌هایی مواجه کند. مراجعه به پاراگراف ششم گزارش ۵ اسفندماه ۱۳۹۰ (۲۴ فوریه ۲۰۱۲) مدیر کل و مذاکرات بهمن‌ماه ۱۳۹۰ بین ایران و بازرسان آژانس حامل دو پیام زیر بود:

۱. آژانس تأکید دارد موضوع PMD (ابعاد احتمالی نظامی) در دستور کار مذاکرات قرار گیرد.

۲. پیش‌نویس مدالیده‌ای که روشن‌کننده نقشه راه مذاکرات درباره همه مسائل باقی مانده از جمله موضوع PMD است، بین دو طرف مبادله شود.

از طرفی در محیط داخل نیز باید بین متولیان امر حداکثر همسویی فکری - رویه‌ای درخصوص اهداف و راهبرد مناسب در مذاکرات شکل بگیرد.

دیپلمات‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برای حضور مؤثرتر در مذاکرات بایستی در محاسبات خود ارزیابی دقیقی از پارامترهای زیر داشته باشند:

- عمق و دامنه دستاوردهای هسته‌ای موجود و ارزیابی صاحب‌نظران از قابلیت‌های بالقوه،
- محاسبه احتمالات عملیاتی شدن تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی،
- شرایط داخلی آمریکا و میزان تأثیر موضوع هسته‌ای ایران بر موقعیت باراک اوباما در انتخابات ریاست‌جمهوری
نوامبر ۲۰۱۲،

- نقش و جایگاه ایران در حل و فصل تنش‌های منطقه‌ای به‌ویژه تحولات سوریه،
- دوراندیشی درخصوص سطح و عمق حمایت روسیه و چین از طرح بومی‌سازی غنی‌سازی سوخت یا آستانه مقاومت این دو کشور در برابر فشارهای آمریکا و متحدانش،

- ارزیابی اصطکاک‌های سیاسی - امنیتی بالفعل و بالقوه بین روسیه و آمریکا،

- میزان آسیب‌پذیری غرب از افزایش قیمت انرژی،

- میزان هزینه‌های تحمیلی و آستانه مقاومت ساختارهای حکومتی و اجتماعی در قبال تحریم‌های احتمالی.